

من معتقدم

حضرت عبدالعظیم حسنی، مردی دانشمند و باایمان و از نوادگان امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) بوده است. ایرانی‌ها به او شاه عبدالعظیم می‌گویند و مرقد^۱ او در شهر ری^۲ زیارتگاه مؤمنان است. عبدالعظیم از شاگردان و یاران حضرت امام جواد و حضرت امام هادی (علیهما السلام) بوده است و ماجرای گفت‌وگوی وی با امام هادی (علیه السلام) درباره‌ی اعتقادات دینی شنیدنی است.

این ماجرا را از زبان خود او بشنویم.

روزی خدمت حضرت امام هادی (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم:

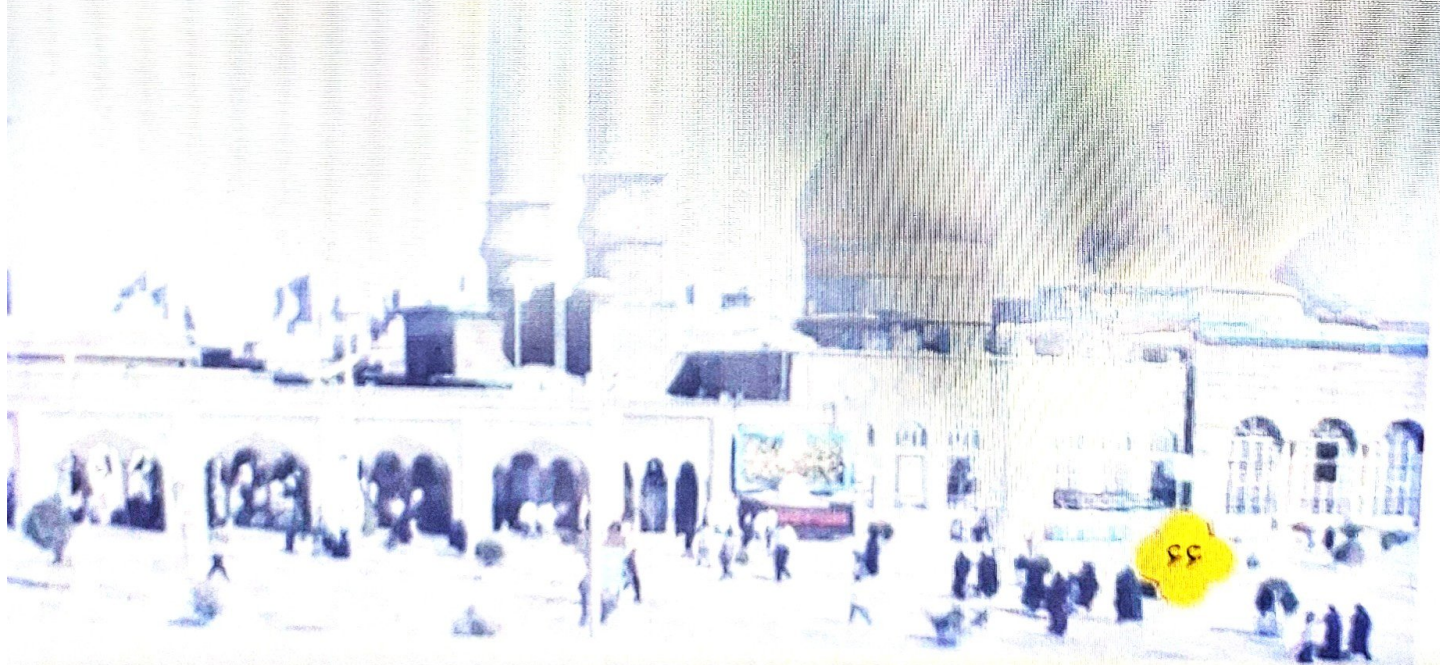
– ای فرزند رسول خدا، من می‌خواهم اعتقادات دینی خود را در برابر شما به زبان بیاورم تا ببینم آیا پسندیده است و یا باید آن را اصلاح کنم.

امام اجازه دادند که من اعتقاداتم را یکی یکی بگویم.

گفتم: «من اعتقاد دارم که خدای بزرگ، یکی است و مثل و مانندی ندارد. او پروردگار و صاحب همه‌ی موجودات است. معتقدم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده‌ی خدا و آخرین پیامبر اوست و دین آن حضرت، یعنی اسلام، آخرین دین است.

۱- آرامگاه

۲- ری: شهری تاریخی در جنوب تهران کنونی



من اعتقاد دارم امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جانشین پیامبر خدا و ولی مسلمانان است و بعد از ایشان، حضرت امام حسن (علیه السلام) و پس از ایشان، حضرت امام حسین (علیه السلام) و فرزندان او، امامان و راهنمایان مردم هستند؛ سپس نام فرزندان امام حسین (علیه السلام) یعنی امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا (علیهم السلام) را یکی یکی بردم و گفتم:

– و پس از امام رضا (علیه السلام) پدر گرامی شما امام محمدتقی (علیه السلام) امام و سرور ما مسلمانان هستند و بعد از این بزرگواران، شما پیشوای ما هستید». در این هنگام امام هادی (علیه السلام) به من فرمود:

– و بعد از من، حسن، پسر من است و پس از او، مهدی است؛

امامی که با قیام خود زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

من نیز گفتم:

– من به امامت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و فرزند آن حضرت نیز ایمان دارم و می‌گویم دوستی این بزرگواران، دوستی با خداست و نافرمانی آنها دشمنی با اوست.

و ادامه دادم:

– من اعتقاد دارم که روز قیامت همه‌ی ما دوباره زنده می‌شویم و به زندگی جاوید خود ادامه می‌دهیم و می‌گویم که واجبات دینی بعد از ولایت، نماز است و زکات و روزه و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر.

آن‌گاه حضرت هادی (علیه السلام) به من فرمود:

– به خدا سوگند، دین خدا این است. بر همین اعتقاد ثابت بمان.

برایم بگو



هر یک از بخش‌های این متن، به کدام یک از اصول اعتقادی ما مسلمانان اشاره می‌کند؟

۱- ولایت یعنی دوست داشتن خدا و رسول و امامان معصوم (علیهم السلام) و اطاعت کامل از آنها

آنچه خواندیم، گوشه‌ای از آدابی بود که پیامبر در ارتباط با دیگران رعایت می‌کرد. چه خوب است که ما نیز سعی کنیم به پیروی از پیامبرمان در گفتار و رفتار خود با دیگران به خوبی عمل کنیم.

به رفتارهایی که ما هنگام روبه‌رو شدن با دیگران و برای رعایت ادب در برابر آنها انجام می‌دهیم، **آداب معاشرت** می‌گویند. رعایت این آداب، نشان‌دهنده‌ی احترامی است که ما به دیگران می‌گذاریم.

درباره‌ی آداب معاشرت با دیگران، دستورهای زیادی در قرآن کریم هست. این دستورها هم درباره‌ی گفتار پسندیده و هم درباره‌ی رفتار پسندیده است. عمل کردن به این دستورهای ارزشمند، مهربانی و صمیمیت را افزایش می‌دهد.

تدبّر کنیم



🔴 آیات ده تا دوازده سوره‌ی حجرات را بخوانید و ترجمه‌ی آنها را کامل کنید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: مؤمنان **همانا** **مومنان** با یکدیگر **برادرند**.

فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ: پس میان برادرانتان صلح برقرار کنید.

وَاتَّقُوا اللَّهَ: و (با انجام کارهای خوب و دوری از کارهای زشت) با تقوا باشید.

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ: تا او به شما لطف و رحمت کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا **ای کسانی که ایمان آورده اید**.

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ: گروهی (از شما) **و یکدیگر را مسخره نکنید**.

عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مِنْهُمْ: چه بسا آنها از اینها بهتر باشند.

وَلَا يَسَاءُ مِنْ نِسَاءٍ: **و نه زنانی دیگر را**.

عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ: چه بسا آنها بهتر از اینها باشند.

وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ: **و از یکدیگر عیب جویی نکنید**.